

## صورت‌بندی الگوی راهبردی سردار سلیمانی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی ایران

بهار اخوان\*

### چکیده

حضرت امام خمینی ره، با ارائه گفتمان انقلاب اسلامی، ضرورت‌ها و بایستگی‌های نوینی را در تدوین راهبردهای بین‌المللی و منطقه‌ای خلق نموده است. برآیند این روند، الزام‌گزینش راهبردی متناسب با تهدیدها و فرصت‌های محیط امنیتی ایران است که می‌توان آن را در الگوی راهبردی سردار سلیمانی جستجو کرد. این نوشتار قصد دارد ضمن شناسایی مولفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در این الگو، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان (مکتب کپنهاک)، آن را ترسیم و تبیین نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد الگوی راهبردی سردار سلیمانی منبعث از اصول و سازه‌های انقلاب اسلامی، براساس ویژگی‌های پنج‌گانه باری بوزان (وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر و استقلال نسبی) قابل تحلیل است و دارای چهار شیوه عملکردی (حضور مستشاری، تشکیل هسته‌های مقاومت مردمی، مدیریت میدانی و نفوذ فرهنگی) بوده که در نهایت دو کارویژه (بازدارندگی و موازنه‌سازی) را به همراه داشته است.

### واژگان کلیدی

امام خمینی ره، سردار سلیمانی، انقلاب اسلامی، الگوی راهبردی، غرب آسیا.

## طرح مسئله

امام خمینی علیه السلام در قامت یک اندیشمند اسلامی با رویکرد انتقادی نسبت به نظم حاکم و معادلات جهانی، گفتمانی بدیع و جدید با ماهیتی معنامحور در یک چارچوب تحلیلی فردانیوی را پدید آورده است که به عنوان «گفتمان انقلاب اسلامی» شناخته شده است. این گفتمان ارکان ثابتی را در سیاست خارجی چهار دهه گذشته خلق کرده است که بر مؤلفه‌هایی چون استکبارستیزی، دفاع از ستمدیدگان و عدالت‌گستری تأکید دارد.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در بیانیه «گام دوم انقلاب» با تأکید بر دو اصل «تمدن‌سازی» و «تعمیم الگوی حکمرانی خوب»، ارائه مدل و الگوی بومی مبتنی بر مبنای هویتی انقلاب اسلامی در حوزه‌های ساختاری و کارگزاری را یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند. از آنجاکه تبیین نسبت میان حوزه‌های مبنایی و بنیادی گفتمان و تدوین راهبرد، اجرا و عملیات میدانی از عرصه‌های مهم مطالعاتی این بحث است، می‌توان مدعی شد که تحلیل واقع‌بینانه‌ای از راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ممکن نخواهد شد مگر آنکه در چارچوب ادراکی درک شاکله اصلی انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد.

عملکرد سردار سلیمانی با درک عمیق نسبت سازه گفتمانی انقلاب اسلامی منبعث از اندیشه رهبر فقید انقلاب اسلامی و سیطره تفکری و میدانی بر محیط عملیاتی، بازیگران منطقه‌ای و اهداف راهبردی ایران، جامع‌ترین نمونه پیوستگی میان نظریه و عمل است. با درک این موضوع که سردار سلیمانی در مسیر گفتمان‌سازی بر مدار انقلاب اسلامی در عرصه منطقه‌ای الگوی جدیدی را تدوین نموده‌اند، هدف این پژوهش شناسایی و ترسیم الگوی راهبردی سردار سلیمانی در سطح منطقه‌ای با تأکید بر شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی به‌ویژه اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام است.

ضرورت چنین مطالعاتی از آن‌روست که می‌تواند مبنای تحلیل‌های بعدی برای اتخاذ تدابیر مناسب امنیتی در آینده باشد. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی راهبردی سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی چگونه صورت‌بندی شده است؟ فرضیه پژوهش حاضر نیز این است که سردار سلیمانی براساس اصول و سازه‌های اصلی انقلاب اسلامی، مجموعه امنیتی نوینی را با دو کارویژه «بازدارندگی» و «موازنه‌سازی» شکل داده است. در این مقاله برآنیم تا الگوی راهبردی سردار سلیمانی براساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان<sup>۱</sup> و با تأکید بر عناصر شش‌گانه اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی را مورد مطالعه قرار داده و تحلیل نماییم تا بتوان از این طریق جهت‌گیری الگوی به‌کارگرفته شده ایشان در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را کشف نمود.

1. Barry Gordon Buzan.

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه اندیشه‌های راهبردی و دیپلماسی سردار سلیمانی در منطقه به‌وسیله پژوهشگران انتشار یافته است. از جمله مواردی که می‌توان برای پیشینه مقاله حاضر ذکر کرد، مقاله «طراحی الگوی تفکر راهبردی مبتنی بر اندیشه‌های راهبردی سردار قاسم سلیمانی» (قنادان‌زاده و دیگران، ۱۴۰۱) است که براساس روش تحلیل مضمون استقرایی - قیاسی، ابعاد اصلی تفکر راهبردی سردار سلیمانی را در ابعاد چهارگانه «تفکر عملیاتی»، «تفکر ارزشی»، «تفکر ایدئولوژیک» و «تفکر انسانی» طبقه‌بندی کرده است.

در پژوهش «الگوی رهبری شهید قاسم سلیمانی؛ از فرماندهی مقاومت تا شکل‌گیری مکتب سلیمانی» (هاشمی، ۱۴۰۱) نویسنده الگوی رهبری سردار سلیمانی را براساس تلاش برای وفادار نمودن پیروان به آرمان جهانی عاری از ظلم و پایبند به ارزش‌های انسانی، متکی ساختن آنها به خودباوری، توجه بر انگیزه‌های درونی‌شان ترسیم نموده است و پایه‌گذار مکتبی شده که تداوم راهش را در سه سطح فردی، ساختاری و فرهنگی، تضمین نموده است.

از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «دیپلماسی انقلابی در الگوی رفتار منطقه‌ای سردار سلیمانی» (متقی و امینی، ۱۳۹۹) اشاره کرد که با تأکید بر «رهیافت‌هایی» مبتنی بر اندیشه‌های ضداستکباری امام خمینی علیه‌السلام و رویکرد ضدنظام سلطه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) این فرضیه به اثبات می‌رسد که دیپلماسی انقلابی سردار سلیمانی مبتنی بر استکبارستیزی، صدور انقلاب و بهینه‌سازی قدرت نرم انقلاب اسلامی بوده است.

مقاله دیگری تحت‌عنوان «گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل» (امیری و کیانی، ۱۳۹۸) به بررسی تأثیر گفتمان مقاومت یا عمومی شهید سلیمانی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، این گفتمان شیوه نوینی از ارتباطات و دیپلماسی را به‌وسیله دعوت مردم، نخبگان داخلی و خارجی و قبایل برای مبارزه با تروریسم جهانی با روش مسالمت سیاسی و پیمان‌های مختلف را خلق کرده است.

وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در موضوع و چگونگی پرداختن به آن است. در تحقیقات پیشین، عمدتاً دو محور شاخص‌های مکتب سردار سلیمانی و ویژگی‌های رهبری و مدیریتی ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. طبق مطالعات تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع شناسایی و بازتعریف مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در راهبرد منطقه‌ای سردار سلیمانی در منطقه که منجر به ترسیم مدل مفهومی گردد، تشریح و تبیین نشده است.

این پژوهش از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. بدین صورت که نگارنده در بعد توصیفی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان گزاره اصلی تحقیق با استفاده از منابع علمی معتبر مورد ارزیابی قرار

داده است و در جهت شناخت ابعاد آن کلیدی‌ترین شاخصه‌های آن را شناسایی کرده است. در بعد تحلیل - که از نوع تحلیل کیفی است - با بهره‌گیری از مبانی نظری پژوهش، مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان و با تکیه بر منابع معتبر و استدلال‌های علمی نگارنده به تشریح عناصر و ارکان الگوی منطقه‌ای سردار سلیمانی پرداخته است. همچنین راقم سطور در انتها یافته‌های پژوهش یک الگوی راهبردی نوین را استخراج نموده است.

این پژوهش از حیث جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، مبتنی بر اصول نظری اکتشافی به روش کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

پیش از آغاز بحث لازم است در محور اول این پژوهش به تعریف مفاهیم کلیدی پرداخته شود.

## تعریف مفاهیم

### ۱. گفتمان انقلاب اسلامی

واژه گفتمان از واژه فرانسوی «Discourse» و لاتین «Discursus» به معنی گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است. (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۰) گفتمان به مفهوم مجموعه‌ای از قواعد، ضوابط و معانی در قالب نظام ساختارمند معرفتی در یک زمینه زبانی است که بازیگران از طریق آن جهان را درک و فهم می‌کنند. (مک دانل، ۱۳۸۰: ۶۹) گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی نشانه‌های اسلامی و مدرن حول دال مرکزی حکومت اسلامی با ابتدای بر ولایت فقیه است که در قالب پارادایم اسلام سیاسی قابل فهم است. مفاهیمی نظیر امت‌گرایی اسلامی، دفاع از آرمان فلسطین و مبارزه با استکبار جهانی تثبیت گردید و منظومه گفتمانی در غیریت‌سازی با سلطه غرب را شکل داد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۲) در پژوهش پیش‌رو مقصود از گفتمان انقلاب اسلامی، اصول و مبانی انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه و منظومه فکری امام خمینی علیه السلام است.

### ۲. راهبرد

واژه «راهبرد»، ترجمه کلمه «استراتژی» از ریشه یونانی Strategia به معنای «فرمانده و رهبری» است. در ابتدا مفهوم راهبرد به معنای فن هدایت، تطبیق و هماهنگ‌سازی نیروها برای رسیدن به اهداف جنگ در علوم نظامی به کار گرفته می‌شد. (غفاریان، ۱۳۸۰: ۴۷) راهبرد یا استراتژی یک برنامه بلندمدت برای دستیابی به هدف مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. در واقع الگو یک مدل بصری است که براساس اهداف طراحی از رابطه بین متغیرهای پژوهش را ترسیم می‌کند تا نتیجه‌های معنادار شکل بگیرد. (Swaen & George, 2022: 5) منظور از الگوی راهبردی سردار سلیمانی ارائه یک مدل مفهومی از

استراتژی‌های ایشان مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با هدف پاسخ به تهدیدهای امنیتی، ارتقای جایگاه و حفظ امنیت در سطوح منطقه‌ای و جهانی ایران می‌باشد.

## رهیافت نظری

### مکتب کپنهاک<sup>۱</sup> (نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای)<sup>۲</sup>

با توجه به پیچیدگی دنیای کنونی، نظریات روابط بین‌الملل نمی‌توانند به‌طور کامل و جامع ارزیابی دقیق از مسائل منطقه‌ای و چگونگی روابط بازیگران با یکدیگر ارائه دهند؛ زیرا هریک از این نظریات بخشی از واقعیت را به نمایش گذاشته و از واکاوی عمیق مسائل عاجز هستند. اما با توجه به ضرورت تبیین روابط دولت‌ها در سطح منطقه‌ای، نگارنده تلاش دارد فارغ از هرگونه کلی‌گویی، با تأکید بر سطح تحلیل منطقه‌ای، الگوی راهبردی سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا را ترسیم نماید.

جهت بررسی این الگوی منطقه‌ای باید از ابزار تحلیلی مناسبی بهره برد که هم کشورهای منطقه را در قالب یک مجموعه در نظر گیرد و هم به بهترین شکل از عهده تبیین نوع الگوی روابط فیما بین میان این دولت‌ها برآید. در این حوزه، مکتب کپنهاک جزو اولین رهیافت‌هایی به‌شمار می‌رود که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات منطقه‌ای در روابط بین‌الملل تلاش نموده است. در نظریه کپنهاک، از یک‌سو، مؤلفه جغرافیا در تعریف نظریه امنیتی به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی مورد تأکید قرار گرفته است و در بیان مقوله‌ها و جزئیات نظریه مجموعه امنیتی دائماً بر بحث جغرافیا و امنیت تأکید شده است. به موازات آن، در این نظریه، اهمیت مناطق مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی تحولاتی که در منطقه رخ می‌دهد، در سایه ساختار نظام بین‌الملل و نگاه نورئالیستی<sup>۳</sup> تحلیل نمی‌شود و خود مناطق به‌عنوان سطح تحلیل مستقل موجودیت یافته‌اند.

همان‌گونه که بیان شد، مبحث منطقه‌گرایی و مجموعه امنیتی از جمله مفاهیم مورد تأکید نظریه‌پردازان مکتب کپنهاک است. باری بوزان<sup>۴</sup> و همکارش ویور<sup>۵</sup> نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را پس از جنگ سرد برای تحلیل رفتار کشورها در سطح منطقه‌ای مطرح کردند. از نظر آنها، منطقه‌ها مجموعه‌ای از واحدهایی هستند که چنان به هم مرتبط هستند که مشکلات امنیتی آنها را نمی‌توان به‌طور منطقی جدا از یکدیگر تحلیل یا حل کرد. بنابراین جهان را می‌توان براساس مجموعه‌های امنیتی

---

1. The Copenhagen School.  
2. Regional Security Complex Theory.  
3. Neorealism.  
4. Barry Buzan.  
5. Ole Wæver.

منطقه‌ای متعددی قابل فهم نمود. (Buzan, 2003: 141) در این نظریه، بوزان یک گام مهم در تحلیل مفهوم امنیت برداشته است:

توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای بر پایه ماهیت رابطه‌ای امنیت و درک آن به‌عنوان یک پدیده به هم وابسته (و نه صرفاً یک موضوع جدا از هم). ضمن اینکه تمامی دولت‌ها در این نظام در نوعی شبکه وابستگی متقابل امنیتی گرفتارند. بنابراین امنیت ملی دولت‌ها را نمی‌توان مستقل از یکدیگر تحلیل کرد. (Buzan 1991: 188)

باری بوزان، امنیت را در سه مقوله جهانی، منطقه‌ای و داخلی تحلیل می‌نماید. در سطح جهانی امنیت به عملکرد و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ می‌پردازد. در سطح منطقه‌ای حیطة قلمرو و تحلیل محدود شده و روندها و قدرت‌های منطقه‌ای را هم دربرمی‌گیرد. در نهایت در سطح داخلی به شرایط، سیاست‌ها و عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت توجه دارد.

مکتب کپنهاگ ضمن توجه به هر سه سطح تحلیل باور دارد پس از دوران جنگ سرد، منطقه‌گرایی تقویت شده است و به تبع آن الزامات توجه به مجموعه‌های امنیتی نیز افزایش یافته است. بر این مبنا اهمیت مبحث منطقه فزونی یافته است؛ چراکه هر منطقه‌ای مقتضیات امنیتی ویژه‌ای داشته و طبعاً تحلیل‌های امنیتی آن به شکل متفاوتی از سایر مناطق صورت می‌گیرد. (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴) وی در جهت شناخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را لازم و ضروری می‌داند و بر این باور است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای عناصری بدین شرح است:

۱. وجود وابستگی متقابل امنیتی میان اعضا؛

۲. وجود الگوهای دوستی و دشمنی؛

۳. نزدیکی و مجاورت جغرافیایی؛

۴. وجود حداقل دو بازیگر مؤثر؛

۵. استقلال نسبی از سایر مجموعه‌ها. (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۲۸۳ - ۲۸۰)

در تعریف منطقه از نظر مکتب کپنهاگ خود به عوامل ذهنی و سایر عوامل دیگر مانند فرهنگ، تاریخ، هویت و سرنوشت مشترک اشاره می‌کند که ربط عمیقی به امنیت، در کل یک منطقه امنیتی دارد. بوزان معتقد است که بررسی ملاحظات امنیتی در چارچوب ملی یا سطح جهانی به‌تنهایی ناکارآمد است؛ چراکه از یک سو دولت‌ها در خلأ زیست نمی‌کنند و در تعامل با محیط خود هستند و از سوی دیگر، امنیت دولت‌ها به یکدیگر گره خورده‌اند پس هیچ‌چیز را نمی‌توان بدون درک همه‌چیز فهمید. مکتب کپنهاگ ضمن طرح تئوری مجموعه‌های امنیتی، دولت را مهم‌ترین بازیگر و به‌عنوان

واحد تحلیل در نظر می‌گیرد و بر بخش‌های نظامی و سیاسی به‌مثابه حوزه اصلی روابط بین‌الملل تأکید می‌کند. سیستم‌های منطقه‌ای و چارچوب برخورد با آنها از نظر امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد و استقلال نسبی روابط منطقه‌ای مشخص می‌شود. (بوزان، ۱۳۹۷: ۱۲۱ - ۱۱۳) طبق تعریف «مجموعه امنیتی» مورد نظر بوزان و ویور، می‌توانیم غرب آسیا را به‌عنوان منطقه‌ای متشکل از دولت‌هایی تعریف کنیم که نگرانی‌های امنیتی اولیه آنها به‌قدر کافی نزدیک به هم مرتبط هستند، به‌طوری که امنیت ملی آنها نمی‌تواند به‌طور واقع‌بینانه جدا از یکدیگر در نظر گرفته شود که البته خود دارای چند زیر مجموعه امنیتی است که برجسته‌ترین آنها بین رژیم صهیونیستی و همسایگان عرب آن؛ ایران و برخی کشورهای عربی منطقه متمرکز شده است. (Koch & Stivachtis, 2019: 12) با طرح این مباحث مشخص شد که برای تحلیل مناسب موضوعات امنیتی باید هر منطقه را به‌صورت مجزا و براساس ساختار و ویژگی‌های کشورهای متعلق به آن منطقه مورد بررسی قرار داد. با توجه به اینکه منطقه غرب آسیا از مناطقی است که کشورهای آن از نظر امنیتی به یکدیگر وابسته‌اند به‌طوری که از هرگونه رفتار دولت‌ها برداشت امنیتی شده و سایرین احساس ناامنی می‌کنند، کاریست نظریه مجموعه امنیتی چشم‌انداز مطلوبی را برای تحلیل و بررسی مسایل و پویای‌های امنیتی این منطقه خلق می‌کند؛ چیزی که در شعاع نظریه‌های دیگر به‌دست نمی‌آید. کشورهای منطقه نظیر ایران، سوریه و عراق اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند. ثانیاً از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای سرنوشت نسبتاً مشترکی دارند و واحدهای تشکیل‌دهنده آن بر حسب نگرانی‌ها و به‌منظور حفظ بقاء خود، تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می‌دهند.

مطالعه و بررسی ویژگی‌های غرب آسیا در سال‌های اخیر نشان می‌دهد منطقه غرب آسیا از یکپارچگی سابق خارج شده و گرایش‌های گریز از مرکز در منطقه سرعت گرفته است و مجموعه‌های منطقه‌ای گوناگونی از جمله مجموعه امنیتی منطقه‌ای نوین سردار سلیمانی در منطقه ایجاد شده است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

### گفتمان انقلاب اسلامی و الزامات راهبردی سردار سلیمانی

گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان یک کلان گفتمان در راستای نظام ارزشی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران درصدد تدوین راهبردهای بی‌بدیل برای دستیابی به وضعیت مطلوب بین‌المللی و منطقه‌ای برآمده است. طبق اقتضات خاص این گفتمان، دو مؤلفه «تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی» و «تحقق اهداف گام دوم انقلاب» مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

حضرت امام خمینی علیه السلام در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی به‌طور

رسمی تاسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند و شورای انقلاب با تاسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گام اساسی را در جهت سازمان‌دهی این نهاد برداشت. شورای فرماندهی سپاه در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ طی اطلاعیه‌ای وظایف کلی سپاه را اعلام کرد که براساس بند هفتم این اطلاعیه، حمایت از «نهضت‌های رهایی‌بخش و حق‌طلبانه مستضعفان جهان تحت نظارت رهبر انقلاب» یکی از وظایف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برشمرده شد. (دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ۱۳۷۸: ۲۰۱)

در سال ۱۳۷۰، این وظیفه سپاه در ساختار درونی سپاه برعهده نیروی قدس سپاه گذاشته شده است که موظف به پیگیری این وظیفه قانونی است. سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ از طرف مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد و بیش از دو دهه در این مسئولیت باقی ماندند. سردار سلیمانی در حمله پهباد آمریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸ به همراه ابومهدی المهندس و ۱۰ تن دیگر به شهادت رسیدند. (موسوی، ۱۳۹۸: ۷۹) وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا طی بیانیه رسمی اعلام نمود که دستور این حمله هوایی را دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق این کشور صادر کرده است. (Department of Defense, 2020: 7) سردار سلیمانی در دوران فرماندهی در نیروی قدس سپاه پاسداران، ضمن تثبیت اقتدار منطقه‌ای ایران، نقشی ماندگار و تأثیرگذار در شکل‌گیری، حفظ و انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی در منطقه داشته‌اند. راهبرد سردار سلیمانی در جهت پیشبرد و عملیاتی‌سازی رویکرد تمدنی و جهانی گفتمان انقلاب اسلامی براساس دو مؤلفه قابل تبیین می‌باشد:

#### ۱. تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

فلسفه وجودی نیروی قدس سپاه همان ارکان‌های اولیه انقلاب اسلامی نظیر حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان، جبهه‌های مقاومت و نهضت‌های آزادی‌بخشی است که علیه ظلم، استکبار و تروریسم مبارزه می‌کنند. نیروی قدس سپاه به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران در فعالیت‌های فرامرزی و منطقه‌ای این مسئولیت را به عهده دارد که ناظر به ارتقای سطح «امت اسلامی» و «مستضعفان جهان» است. همان‌طور که در بند ۱۶ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل عنوان «وظایف دولت جمهوری اسلامی» آمده است:

تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

در اصل یازدهم قانون اساسی کشور نیز آمده است:



صورت‌بندی الگوی راهبردی سردار سلیمانی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی ایران □ ۱۵

به حکم آیه شریفه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء / ۹۲) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش دیگر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸: ۱۷)

رهبر انقلاب در جلسه‌ای با دو عنصر شورای سپاه قم (۲۹ مرداد ۱۳۵۸)، در توصیف الزامات وجودی سپاه قدس فرمودند:

من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم از شما بر نمی‌گردد. اگر سپاه نبود کشور هم نبود. من سپاه پاسداران را بسیار عزیز و گرامی می‌دارم.

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «شما پاسداران مثل جوان‌های صدر اسلام هستید». (امام خمینی ره، ۱۳۸۹: ۶ / ۳۰۹)

نیروی قدس به رهبری سردار سلیمانی در هر نقطه و زمانی مأموریت حمایت از مستضعفان را بر دوش داشته است. سردار سلیمانی با رویکردی نجات‌بخش، فرامرزی و انسان‌دوستانه هر فردی از کردهای عراق و سوریه اعم از مسیحیان، اهل سنت، ایزدی و شیعیان را در دایره صیانت خود قرار می‌داد. این حرکت برگرفته از آرمان‌های انقلاب، امنیت درونی و نوعی بازدارندگی از اقدام علیه امنیت ملی ایران را نیز فراهم می‌نمود.

## ۲. تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی حاوی فرازهای متعددی است که هریک از سرفصل‌های آن را می‌توان در قالب پژوهش جامع مورد واکاوی قرار داد. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این بیانیه راهگشا بیش از هر چیز بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کنند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) در واقع، ابعاد تمدنی مبتنی بر انقلاب اسلامی، ظرفیتی است که ایران را شایسته ایفای نقش جهانی در مقام کنش‌گر اصلی در این عرصه کرده است. در این مسیر راهبرد سردار سلیمانی متکی بر ارتقاء حوزه نظامی و تغییر توازن قوای منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای بوده است که نقش‌آفرینی جهانی ایران را دوچندان کرد. علاوه بر بعد سخت قدرت، سردار سلیمانی به‌عنوان یک کارگزار تمدن‌ساز در انقلاب اسلامی با ویژگی اخلاقی و مدیریتی ویژه عمل کرده است.

همچنین رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به نکته راهبردی اشاره فرمودند:

امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است ... (همان)

براساس این رهنمود، سردار سلیمانی با تشکیل و هدایت جنبش‌های مردمی منطقه ضمن جلوگیری از تجزیه منطقه، با حمایت از نیروهای فلسطینی شکست‌های متعددی را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کرد که نتیجه آن شکست محور غربی - عربی - عبری به رهبری آمریکا به‌عنوان دشمن اصلی کشورهای مستقل اسلامی بوده است.

در این خصوص «نشریه نیویورکر»<sup>۱</sup> با اشاره به نقش برجسته و مؤثر فرمانده سپاه قدس در منطقه، به‌ویژه در عراق و سوریه از قول جان مگوایر،<sup>۲</sup> افسر سابق سازمان سیا یادآور شد: «سردار قاسم سلیمانی تنها مرد قدرتمند منطقه غرب آسیاست». (Filkins, 2013: 4) نکته‌ای که درباره سردار سلیمانی به‌شدت واضح است، تمجید دشمنان جمهوری اسلامی از شخصیت او و اذعان آنها به تأثیرگذاری و نفوذ بی‌مانند وی در عرصه‌های مختلف منطقه‌ای است.

### شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در راهبرد سردار سلیمانی

اندیشه سیاسی امام خمینی ره مبتنی بر جنبش احیاگرانه اسلام ارتباط ناگسستنی میان دین و سیاست، برقرار کرد. مشی کلی که امام طراحی نمودند می‌توان به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در سیاست جمهوری اسلامی ایران به‌شمار آورد.

یقیناً برای بازخوانی اصول نظام بینشی امام خمینی ره هیچ‌کس لایق‌تر از خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیست. در این باره، معظم‌له اصول هفت‌گانه‌ای از اندیشه امام ره را بیان نمودند:

اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی، بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زورگوی جهانی، اعتقاد به اراده مردم، حمایت از محرومان و مستضعفان، مخالفت با قلدران بین‌المللی و مستکبران، استقلال کشور و رد سلطه‌پذیری، وحدت ملی و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن. (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

از آنجاکه گفتمان انقلاب اسلامی برگرفته از منظومه فکری امام خمینی ره و جهان‌بینی اسلامی

1. The New Yorker.

2. John Maguire.

ایشان است، بنابراین درک گفتمان انقلاب اسلامی مستلزم شناخت صحیح اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و بیانات امام خمینی علیه السلام است که در ادامه مهم‌ترین بخش از بیانات ایشان که در ترسیم اصول گفتمان انقلاب اسلامی نقش داشته است را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

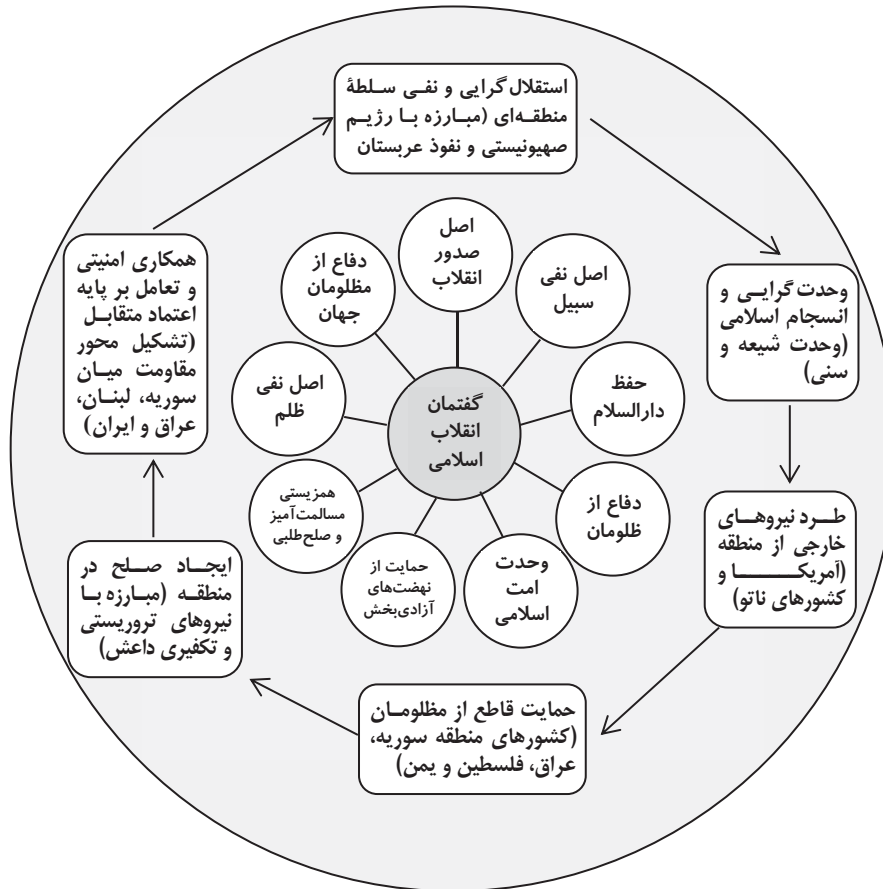
**جدول شماره ۱: منظومه فکری و نظام بینشی امام خمینی علیه السلام در ترسیم اصول گفتمان انقلاب اسلامی**

اصول گفتمان انقلاب اسلامی	گزیده‌ای از بیانات امام خمینی <small>علیه السلام</small>
اصل صدور انقلاب	ما آنچه که می‌خواهیم این است که اسلام با تمام محتوایی که دارد، که آن محتوا یک میوه شیرینی است که هرکس آن را بجشد به لذت ابدی می‌رسد، می‌خواهیم که در تمام قشرها و در تمام آن طرف از ممالک اسلامی این حقیقت، این نور، این اسلام عزیز، با محتوای بسیار عزیز، پیاده شود. (امام خمینی <small>علیه السلام</small> ، ۱۳۸۹: ۹ / ۳۲۸) ما می‌خواهیم که همه ممالک اسلامی این ویژگی‌ها را داشته باشد و این معنایی که در ایران تحقق پیدا کرده است در همه ممالک اسلامی باشد و این انقلاب صادر بشود به همه ممالک اسلامی و همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند. (همان: ۱۳ / ۹۳)
اصل نفی سبیل	ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه. (همان: ۴ / ۹۲)
حفظ دارالاسلام و دفاع از کیان اسلام	ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است. (همان: ۱ / ۳۳۶) ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید این‌طور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم. (همان: ۱۸ / ۸۴)
اصل نفی ظلم و استکبارستیزی	برای من، مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است، مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه صورت بگیرد، آنجا خواهیم بود. (همان: ۵ / ۳۰۱) ما اگر قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد. (همان: ۶ / ۴۹۹) تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. (همان: ۲۱ / ۸۸)
دفاع از مظلومان و محرومان جهان	سایر اقشار ملت‌ها به این رمز اسلامی، به این رمز ایمانی، اقتدا کنند. در تمام اقشار عالم، مسلمین بپاخیزند؛ بلکه مستضعفین بپاخیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است. (همان: ۷ / ۲۹۲) من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند. (همان: ۹ / ۲۸۰)

ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پا خیزید و دست از اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید. (همان: ۱۵ / ۱۷۱)	وحدت امت اسلامی
ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم. (همان: ۱۲ / ۱۳۸) من بار دیگر از تمام جنبش‌های آزادی‌بخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقق جامعه آزاد خویش پیروز شوند. امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک نماید. (همان: ۱۴ / ۷۷) ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. (همان: ۲۱ / ۹۱)	حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش
آنچه غایت تعلیمات اسلامی است هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است. (همان: ۱۸ / ۹۵) ملت‌های اسلام ... صلح‌جویی و زندگی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها طالب می‌باشند. (همان: ۱۱ / ۲۶۶) دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت‌آمیز با همه کشورهای عالم است. (همان: ۱۷ / ۴۸۳)	هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی

نگارنده با استناد به اصول یادشده در جدول بالا، شاکله سیاست منطقه‌ای سردار سلیمانی را در چند محور تقسیم‌بندی نموده است. درواقع شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی، باز تعریف بنیادی در حوزه سیاست داخلی و خارجی ایران را صورت داد که سیاست منطقه‌ای سردار سلیمانی از دل ارزش‌های این گفتمان پدید آمد. این اصول بدین شرح است:

۱. استقلال‌گرایی و نفی سلطه منطقه‌ای (مبارزه با رژیم صهیونیستی و نفوذ عربستان و ...)
  ۲. همکاری امنیتی و تعامل بر پایه اعتماد متقابل (تشکیل محور مقاومت میان سوریه، لبنان، عراق و ایران)؛
  ۳. وحدت‌گرایی و انسجام اسلامی (وحدت شیعه و سنی)؛
  ۴. حمایت قاطع از مظلومان (کشورهای منطقه: سوریه، عراق، فلسطین و یمن)؛
  ۵. طرد نیروهای خارجی از منطقه (آمریکا و کشورهای ناتو)؛
  ۶. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی (مبارزه با نیروهای تروریستی و تکفیری داعش).
- در ادامه پیوستگی میان اصول گفتمان انقلاب اسلامی و محورهای راهبردی سردار سلیمانی در قالب نمودار زیر قابل تحلیل است.



نمودار شماره ۱: شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در راهبرد سردار سلیمانی (منبع: نگارنده)

### طراحی و تبیین الگوی راهبردی سردار سلیمانی در غرب آسیا

بررسی اصول و سازه‌های گفتمان انقلاب اسلامی در راهبرد منطقه‌ای سردار سلیمانی، (نمودار شماره ۱) بر اهداف مبارزه با رژیم صهیونیستی، تشکیل محور مقاومت، وحدت شیعه و سنی، حمایت از کشورهای منطقه، طرد نیروهای خارجی از منطقه و ایجاد صلح در منطقه استوار بوده است. بر پایه این اهداف می‌توان الگوی راهبردی سردار سلیمانی را به‌عنوان برجسته‌ترین مجموعه امنیتی منطقه‌ای با اتکا به نظریه باری بوزان طراحی نمود. این الگو به‌عنوان یک مجموعه امنیتی نوین به سه بخش، ویژگی‌های پنج‌گانه این مجموعه، شیوه‌های عملکردی و کارویژه‌های این مجموعه تقسیم‌بندی می‌گردد. همان‌طور که در رهیافت نظری اشاره شد، در بخش اول، این الگو متکی بر ویژگی‌های باری بوزان (وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی و دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر و استقلال نسبی) تحلیل

می‌گردد. در بخش دوم به شیوه‌های عملکردی این مجموعه (حضور مستشاری، تشکیل هسته‌های مقاومت مردمی، مدیریت میدانی و نفوذ فرهنگی) اشاره شده است که هر یک از آنها در یک رابطه تعاملی، از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. بخش سوم، معطوف به کارویژه‌های این مجموعه است. مجموعه امنیتی سردار سلیمانی دو کارویژه (موازنه‌سازی و بازدارندگی) را به همراه داشته است. در ادامه بخش‌های مختلف و چگونگی روابط مؤلفه‌های این الگوی راهبردی به صورت جامع تبیین شده است.

### یک. ویژگی‌های اصلی مجموعه امنیتی

۱. **وابستگی متقابل امنیتی:** مفهوم وابستگی متقابل امنیتی بدین معناست که هرگونه تغییر و تحولات امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. وابستگی متقابل امنیتی در دو مقوله ایجابی و سلبی دسته‌بندی می‌شود. (دهشیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۶) جمهوری اسلامی ایران و سوریه همواره در پویاها و تعاملات منطقه‌ای، سیاستی همسو را پیگیری می‌نمودند. با اضافه شدن عراق پس از صدام، این مجموعه، اقتدار منطقه را بدست گرفت و در نهایت در جریان تحولات بیداری اسلامی، ملت‌های شیعه یمن و بحرین خواستار دولتی اسلامی در چارچوب مجموعه امنیتی محور مقاومت شدند. (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۵) بر این اساس مهم‌ترین رکن مجموعه امنیتی به صورت آشکار نمایان شد.

۲. **الگوهای دوستی و دشمنی:** بوزان معتقد است در تعریف امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی / دشمنی بین دولت‌ها است. منظور از دوستی اینکه در روابط آنها، طیفی متشکل از دوست واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم باشد. (Buzan, 1999: 215) الگوی دوستی ایران با ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق و سوریه) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان، انصارالله و حماس) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیکی دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقل و مقاومت محور خود در این مجموعه امنیتی نقش ایفاء کنند. الگوی دشمنی ایران نیز با رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی دو کشور مهم ائتلاف عبری - عربی در منطقه محسوب می‌شوند که اتحاد آنها می‌تواند نظم و ساختار امنیتی منطقه را تغییر دهد. (عسکری کرمانی و معین‌آبادی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۳۷)

۳. **مجاورت:** از لحاظ امنیت، «منطقه» به معنی شبه‌سیستم مشخصی از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای

از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی در مجاورت یکدیگر باشند. بر این اساس، تهدید به‌ویژه تهدید سیاسی و نظامی مادامی که در حوزه جغرافیایی نزدیک هستند، با شدت بیشتری احساس می‌شوند. (Buzan, 1999: 188) جمهوری عربی سوریه به‌دلیل هم‌جواری با فلسطین، لبنان، ترکیه و عراق و نحوه رویارویی با رژیم صهیونیستی دارای پیوند عمیقی با جمهوری اسلامی ایران است و اتحاد این دو کشور، معادله ویژه‌ای را در حوزه راهبردی به تصویر کشیده است.

**۴. وجود حداقل دو بازیگر مؤثر:** بدین‌معنا که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نمی‌تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد. اما شکل‌گیری آن با حضور حداقل دو قدرت مؤثر و چندین کشور ضعیف امکان‌پذیر است. (اختیاری امیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۱۳) ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در جایگاه هسته اصلی این مجموعه، سوریه و عراق به‌عنوان مهم‌ترین کشورهای منطقه شمرده می‌شود که سایر قدرت‌های کوچک نظیر حزب‌الله لبنان، حماس و انصارالله یمن حول محور این کشورها نقش‌آفرینی می‌کنند.

**۵. استقلال نسبی از سایر مجموعه‌ها:** بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه‌ای اشاره دارد که «از لحاظ امنیتی منطقه به‌معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌هاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند». در این تعریف بر وجود الگویی از روابط امنیتی میان اعضاء تأکید می‌کند که درواقع زیربنای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر باعث تمایز این مجموعه‌ها از سایر اشکال گروه‌ها و احتمالاً مجموعه‌های اقتصادی، فرهنگی و ... می‌شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۲) اشتراکات دینی و فرهنگی، کشورها و اهداف مشترک سیاسی و حتی تهدیدهای مشترک میان ایران، سوریه و عراق این مجموعه را منحصر به فرد و مجزا از سایر مجموعه‌ها کرده است. اگرچه این مجموعه به‌دلیل اهمیت فراوان ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ارتباط تنگاتنگی با سایر مجموعه‌های امنیتی در منطقه دارد اما باید در نظر داشت که اجزا و ارکان این سامانه امنیتی، مستقل از سایر مجموعه‌های امنیتی عمل کرده است.

## دو. شیوه‌های عملکردی مجموعه امنیتی

**۱. حضور مستشاری:** راهبرد منطقه‌ای ایران بر مبنای حضور فعال در حلقه‌های امنیتی فوری و غیرفوری (عراق، لبنان و سوریه) پایه‌ریزی شده است. حضور مستشاری ایران در عراق - سوریه به‌منظور تأمین امنیت مرزها و حفظ اتصال ژئوپولیتیکی محور مقاومت (تهران، بغداد، دمشق، لبنان) و حمایت از حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی به‌منظور اعمال بازدارندگی فعال و محدودسازی ژئوپولیتیکی رژیم صهیونیستی

انجام شد. ایران با این رویکرد در پی آن است تا از طریق حضور فعال و همه‌جانبه مستشاری سیاسی به‌جای سیاست انتظار و تعریف تهدید از خاکریزها در پی انهدام تهدید از مبدأ و ماورای مرزهای خود باشد. (شکوری و وزیریان، ۱۳۹۸: ۱۱) در سطح نخست فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ایران به‌عنوان مستشار نظامی به فرماندهان ارتش سوریه تجربیات خود را انتقال دادند. در سطح عملیاتی آموزش‌های نظامی لازم توسط نیروی مستشاری ایران داده شده است. در سطح فنی نیز مستشاران ایرانی به آماده‌سازی، تعمیر تجهیزات، امداد و نجات پرداخته‌اند. (مرادی، ۱۳۹۸: ۱۵) شیوه حضور مستشاری با به‌کارگیری نیروهای مردمی و بومی یکی از خلاقانه‌ترین استراتژی‌های سردار سلیمانی برای گسترش نفوذ ایران در غرب آسیا بوده است.

**۲. تشکیل هسته‌های مقاومت مردمی:** با توجه به شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای، سردار سلیمانی ابتدا هسته‌های مقاومت را که در منطقه به صورت خودجوش شکل گرفته بودند را شناسایی و با آنها ارتباط برقرار کرد و همچنین گروه‌هایی که در مسیر مبارزه و جهاد قرار دارند را تقویت کرد و با قرار دادن این حلقه‌ها در درون یکدیگر و تبدیل آنها به زنجیر، موجب تشکیل جبهه مقاومت شد که از دریای مدیترانه آغاز می‌شود و به‌عنوان پیوندی میان نهضت‌های آزادی‌بخش و مؤثرترین مؤلفه در منطقه از آن نام برده می‌شود که در مقابله با هژمونی منطقه‌ای آمریکا قرار دارد. این زنجیره پس از مدتی به محور مقاومت تبدیل شد و محور مقاومت توانست نهادهای مقاومت را با همکاری و مشارکت حکومت‌ها در منطقه شکل دهد و پس از آن نیروهای مردمی شکل گرفت. حشد الشعبی در عراق، بسیج مردمی در سوریه، بسیج مردمی در یمن و در لبنان حزب الله و در فلسطین نیروهای جهادی شکل گرفتند. (کنعانی‌مقدم، ۱۳۹۹) این اتحاد منطقه‌ای نانوشته که بر مبنای شبکه‌سازی و تقویت سرمایه مردمی، مردم پایه کردن با هر مذهب و قومیتی، توانست در مسیر مقابله با اشغال‌گری ایستادگی کند.

**۳. مدیریت میدانی:** شناخت صحیح جغرافیا و مکان عملیات، حضور مداوم سردار سلیمانی در خارج از مرزهای ایران و سفرهای مکرر به کشورهای منطقه، این امکان را برای سردار سلیمانی فراهم ساخته بود تا با اشراف بر جغرافیا و مکان‌های عملیات، مدیریت صحنه‌بازی قدرت را در دست گرفته و حریف را در میدان نظامی - سیاسی غافلگیر سازد. بازگشایی مرز القائم (بوکمال) در مرز سوریه و عراق - خط تدارکات ایران از عراق به سوریه - و نیز بهره‌گیری از حزب‌الله لبنان برای آزادسازی شهر القصیر و پس از آن شهر سراقب از دست تروریست‌های تکفیری در مرز با لبنان، نمونه‌ای از شناخت صحیح جغرافیا و مکان عملیات محسوب می‌شود. (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۳) ضمن اینکه حضور میدانی سردار شهید سلیمانی در جبهه‌ها و حتی خط مقدم و ارتباط و تماس‌های فیزیکی از نزدیک در



این امر بسیار تأثیرگذار بود و باعث شد بسیج مردمی به سرعت متناسب با نیاز مناطق تشکیل شود.

۴. **نفوذ فرهنگی:** علی‌رغم پررنگ شدن جنبه امنیتی و نظامی نیروی قدس، سردار سلیمانی نه تنها غفلت از نفوذ فرهنگی را جایز ندانست، بلکه بر کمیت و کیفیت فعالیت‌های نیروی قدس در این عرصه افزود. در واقع، شهید سلیمانی در پرتو این رویکرد، به سه هدف استراتژیک دست یافت: نخست، تسخیر دل‌های انسان‌های منصف و باوجدان منطقه و جهان به خویش و مکتب خویش؛ دوم، پیشگیری از تخریب چهره جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت در اذهان مردم؛ سوم، افشاء و معرفی چهره ضد اخلاقی و ضد انسانی نظام سلطه و حکام مستبد منطقه و جهان. (مهدوی‌ارفع، ۱۴۰۱: ۳۵) سردار سلیمانی شناخت و تحلیل درستی از جنگ روانی و نرم دشمن با استفاده از رسانه‌ها و فعالیت‌های مخرب آنها در سازمان‌های بین‌المللی داشتند و با نفوذ فرهنگی بر ذهن و افکار مردم تأثیر گذاشتند.

#### سه. کارویژه‌های مجموعه امنیتی

۱. **بازدارندگی:** از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، نظم سیستمی زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آنها در صورت رخداد رفتار نامطلوب، تلافی را خواهند داشت. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۵۹)

در مجموعه امنیتی سردار سلیمانی، راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی نوعی جهاد دفاعی در برابر عناصر تهدیدآمیز است که قصد حمله یا نزدیکی تدریجی به هدف خود یعنی سرزمین ایران را دارند. این راهبرد چهارلایه‌ای از مرزهای سرزمینی یا مرزهای جغرافیایی ایران شروع شده و تا کرانه‌های دریای مدیترانه و تنگه باب‌المنندب امتداد می‌یابد. لایه دفاعی اول این استراتژی از مرزهای جغرافیایی و رسمی ایران آغاز شده و شامل بخش‌های از خاک عراق می‌شود. به لحاظ اولویت‌سنجی، این لایه مهم‌ترین و حیاتی‌ترین بخش راهبرد برون‌مرزی است. لایه و حفاظ دفاعی دوم از بخش‌های غربی بغداد شروع شده و با عبور از بخش‌های سنی‌نشین عراق وارد سوریه شده و تا بلندی‌های جولان را پوشش می‌دهد. اهمیت این سنگر اگرچه از لایه اول بیشتر نباشد بدون تردید کمتر نیست؛ چرا که سرزمین سوریه حلقه و اصل لایه اول با لایه سوم است و چنانچه دچار فروپاشی شود، لایه دفاعی سوم نیز در معرض خطر وجودی قرار می‌گیرد و عملاً ایران راهبرد برون‌مرزی خود را با یک لایه فعال می‌کند. لایه دفاعی سوم نیز بلندی‌های جولان و سرزمین لبنان را دربرمی‌گیرد. این لایه یک اهرم بازدارنده در برابر تهدید رژیم صهیونیستی است. لایه بازدارنده چهارم در یمن تعریف شده است، این لایه نیز دقیقاً در حیات خلوت یکی از رقبای منطقه‌ای یعنی عربستان دائر شده است. این لایه یک هشدار بازدارنده برای عربستان سعودی و متحدان این کشور است که از بحران آفرینی در مرزهای ایران خودداری کنند. با توجه به

اهمیت تنگه باب‌المنذب، خلیج عدن و دریای سرخ در تجارت دریایی ایران قطعاً حفظ آن برای ایران نیز حیاتی است. (فتحی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۷۵) مجموعه منطقه‌ای امنیتی سردار سلیمانی از طریق قدرت‌سازی در حوزه نظامی، عملیاتی در جهت ایجاد بازدارندگی فرامرزی با توجه به جبهه‌های دفاعی پرداخته است.

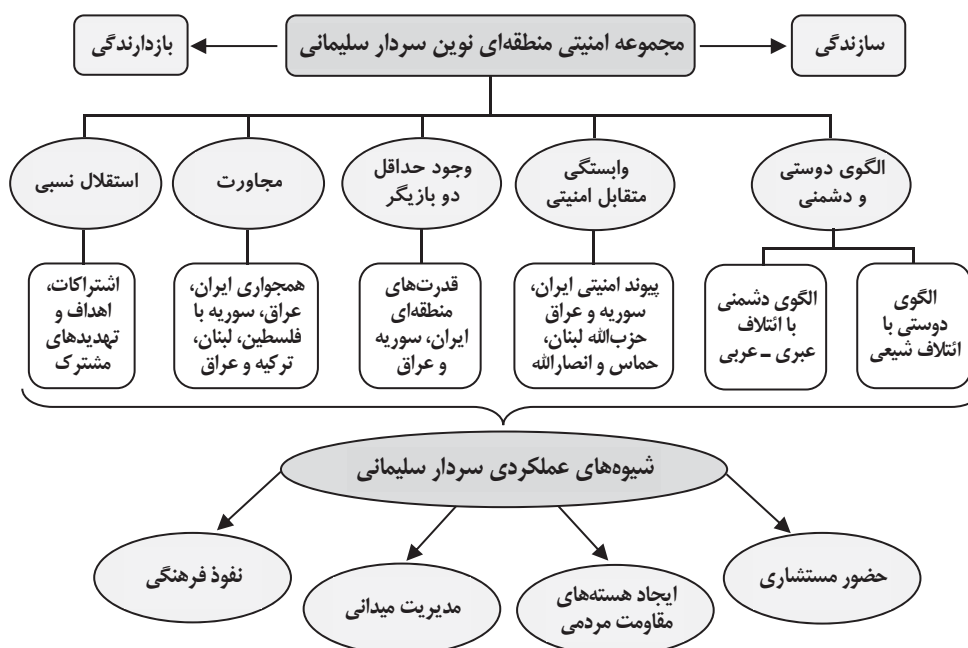
**۲. موازنه‌سازی:** شکل‌گیری الگوی قدرت منطقه‌ای ایران و موازنه مطلوب آن در غرب آسیا طی دو دهه اخیر را می‌توان حاصل تفکرات و اندیشه‌های راهبردی سردار سلیمانی در حوزه سیاسی - نظامی دانست که بر سه محور متمرکز گردید:

- **شبکه‌سازی قدرت:** از ابتکارات سردار سلیمانی تشکیل یک ارتش چندملیتی بود که در آن شبکه قدرت پیرامون منافع جمهوری اسلامی ایران شامل زینبیون پاکستان، فاطمیون افغانستان، حشد الشعبی عراق، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حماس فلسطین و همچنین نیروهای شبه نظامی در سوریه است. شهید سلیمانی با به‌کارگیری تاکتیک‌های نظامی به‌واسطه نبوغ نظامی توانست جمهوری اسلامی را به تأثیرگذارترین قدرت نظامی در منطقه غرب آسیا تبدیل کند. (دارا و کریمی، ۱۳۹۹: ۱۲) سردار سلیمانی با ایجاد شبکه ضد قدرت علیه آمریکا موجب برهم خوردن موازنه قدرت در منطقه به سود ایران و ازهم پاشیدن طرح و نقشه‌های آمریکا در غرب آسیا شد.

- **پراکنده‌سازی قدرت:** سردار سلیمانی در مردمی‌سازی و پراکنده‌سازی قدرت نقش مؤثری داشت. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره می‌فرماید: «شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد». (بیانات، ۱۳۹۹/۹/۲۶) به‌واسطه ارتباط و تأثیرگذاری که شهید سلیمانی بر جریان‌های مردمی منطقه داشت توانست این گفتمان را اجتماعی نماید، به‌عنوان مثال خدمات مؤثر و سازنده ایشان به ملت‌های منطقه یکی از مهم‌ترین روش‌های ایشان در پراکنده‌سازی به‌شمار می‌رود و به همین راهبرد عامل بسیاری از شکست‌های آمریکا و حل منازعات منطقه‌ای بود. (اصغریان کاری، ۱۳۹۹: ۱۸)

- **مدیریت بازی قدرت:** برخلاف آمریکایی‌ها که از دور صحنه بازی را نظاره‌گر بودند و همه‌چیز را به مزدوران منطقه‌ای خود، بمباران‌های هوایی و داعش سپرده بودند تا سرنوشت جنگ‌ها را رقم زنند، شهید سلیمانی در میدان نبرد حضور داشت و از نزدیک امور را هدایت می‌کرد. برخلاف آمریکایی‌ها که همه‌چیز را در کمیت و کیفیت تسلیحات نظامی جستجو می‌کردند، شهید سلیمانی اراده، روحیه و شهادت‌طلبی را رمز موفقیت در میدان می‌دانست. (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۹: ۱۱)

نگارنده براساس مؤلفه‌های یادشده، شمای کلی از این الگوی راهبردی را در قالب یک مدل مفهومی ترسیم می‌کند.



نمودار شماره ۲: نمودار الگوی راهبردی سردار سلیمانی در غرب آسیا (منبع: نگارنده)

### نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بسط‌یافتگی و توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در گستره منطقه‌ای و جهانی و همچنین قابلیت اشاعه اندیشه و فرهنگ انقلاب در بستر تمدن‌سازی نشان از رویکرد تمدنی و جهانی دارد که عمیقاً در راهبرد منطقه‌ای سردار سلیمانی بازتعریف شده است. راهبرد فعالانه امنیتی سردار سلیمانی علاوه بر اینکه توان نظامی قدرتمند جمهوری اسلامی ایران را منعکس کرد، گفتمان انقلاب اسلامی را در چارچوب راهبرد امنیتی در منطقه و جهان بازگو کرده است.

مجموعه امنیتی منطقه‌ای نوین سردار سلیمانی با الگوبرداری از اصول انقلاب اسلامی صورت‌بندی شد که بر امنیت درون‌زا تأکید دارد. از این‌رو امنیت می‌بایست از طریق مشارکت بازیگران متعلق به آن منطقه و عدم دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین شود. سردار سلیمانی با تأثیرپذیری از ارزش‌های انقلاب اسلامی پایه‌های راهبردی خود را بر حمایت از استقلال‌گرایی و نفی سلطه منطقه‌ای و همچنین طرد نیروهای فرامنطقه‌ای بنیان نهاد و در این مسیر توانست با ایجاد وحدت‌گرایی و انسجام اسلامی در حمایت قاطع از مظلومان کشورهای منطقه (سوریه، عراق، فلسطین و یمن) گام بردارد، به‌گونه‌ای که در این افق راهبردی مردم منطقه از حاشیه به متن سیاست‌های منطقه‌ای آمدند تا از این رهگذر با همکاری

دولت‌های همسو به منظور ایجاد ترتیبات و نظم منطقه‌ای مطلوب، حاشیه امن ائتلاف عبری - عربی و نظام سلطه غرب به نفع مردم منطقه از بین برود.

برجسته‌ترین و مهم‌ترین کارویژه مجموعه امنیتی نوین سردار سلیمانی، عینیت‌بخشی به امنیت از طریق بازدارندگی و موازنه‌سازی در گستره بحران‌ها و چالش‌های منطقه غرب آسیا بوده است. حلقه‌های انقلابی از گروه‌های مردمی حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی، انصارالله، تیپ فاطمیون و زینبیون را شکل می‌دهند. این راهبرد ماهیت تهاجمی نداشته بلکه هدف پایه‌ای آن ایجاد نوعی سامانه بازدارنده و موازنه‌ساز جهت مقابله با منابع تهدید است. در چارچوب این رویکرد، نیروهای دفاع وطنی، حشدالشعبی، انصارالله با پشتوانه عظیم دینی و سیاسی از ادیان و مذاهب مختلف اسلامی و غیراسلامی شکل گرفت و با همکاری دولت‌های سوریه، عراق، یمن، ایران مانع شکل‌گیری نظم مطلوب نظام سلطه شد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم، ۱۳۹۴، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۹ - ۱.
۲. اختیاری امیری، رضا و دیگران، ۱۳۹۹، «راهبرد اروپا در قبال تحولات سوریه (مطالعه موردی انگلستان و فرانسه (۲۰۱۸ - ۲۰۱۱))»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال ۵، ش ۳، ص ۳۳۶ - ۳۰۷.
۳. اصغریان کاری، زینب، ۱۳۹۹، «راهبردهای سردار سلیمانی برای حل بحران‌های منطقه غرب آسیا»، *دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب*، دوره ۳.
۴. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۵. امیری، سروش و جواد کیانی، ۱۳۹۸، «گفتمان مقاومت شهید سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل»، *مطالعات دفاع مقدس*، دوره ۵، ش ۲، ص ۳۰ - ۹.
۶. باقری دولت‌آبادی، علی، ۱۳۹۹، «نقش شهید سلیمانی در طراحی هندسه قدرت ایران و برهم زدن محاسبات آمریکا در غرب آسیا»، *دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب*، دوره ۳.
۷. بشیر، حسن، ۱۳۸۴، *تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۸. بوزان، باری، ۱۳۷۸، *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بوزان، باری، ۱۳۷۹، «آشنائی با مکتب کپنهاگ حوزه مطالعات امنیتی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲، ش ۳، ص ۱۵ - ۹.

۱۰. حسینی‌زاده، محمدعلی، ۱۳۸۶، *اسلام سیاسی در ایران*، قم، دانشگاه مفید.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۴/۳/۱۴، بیانات در مراسم بیست‌وششمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۹/۹/۲۶، بیانات در دیدار با خانواده شهید سلیمانی.
۱۴. دارا، جلیل و فردین کریمی، ۱۳۹۹، «تحقق تمدن نوین اسلامی و نقش‌آفرینی شهید سلیمانی به‌عنوان کارگزار تمدن‌ساز»، *دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب*، دوره ۲.
۱۵. دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا، ۱۳۷۸، *روزها و رویدادها: روزهای شمس*، تهران، رامین.
۱۶. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۶، «تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق»، *سیاست جهانی*، دوره ۶، ش ۱، ص ۷۸-۴۳.
۱۷. شکوری ابوالفضل و امیرحسین وزیریان، ۱۳۹۸، «احیای قدرت منطقه‌ای ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۵)»، *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، سال ۱۱، ش ۳۸، ص ۲۰-۱.
۱۸. عبدالله‌خانی، علی، ۱۳۸۹، *نظریه‌های امنیت*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۹. عسکری کرمانی، محمد و حسین معین‌آبادی بیدگلی، ۱۴۰۰، «بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه»، *مطالعات بیداری اسلامی*، سال ۱۰، ش ۲، ص ۱۴۸-۱۲۷.
۲۰. غفاریان، وفا، ۱۳۸۰، *استراتژی انریخس*، تهران، فرا.
۲۱. فتحی، محمدجواد و دیگران، ۱۳۹۹، «جایگاه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در منظومه دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای جنوب غربی»، *سیاست جهانی*، دوره ۹، ش ۲، ص ۳۰۳-۲۶۵.
۲۲. قاسمی، فرهاد، ۱۳۸۸، «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *روابط خارجی*، سال ۱، ش ۳، ص ۸۳-۵۵.
۲۳. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۵۸.
۲۴. قنادان‌زاده، محمدحسین و دیگران، ۱۴۰۱، «طراحی الگوی تفکر راهبردی مبتنی بر اندیشه‌های راهبردی سردار قاسم سلیمانی»، *اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)*، دوره ۱۶، ش ۳، ص ۷۴-۲۹.
۲۵. کنعانی‌مقدم، حسین، ۱۳۹۹، «نقش محوری سردار سلیمانی در تشکیل جبهه مقاومت»، *خبرگزاری شبستان*، <http://shabestan.ir/detail/News/1009646>

۲۶. متقی، ابراهیم و حسن امینی، ۱۳۹۹، «دیپلماسی انقلابی در الگوی رفتار منطقه‌ای سردار سلیمانی»، *مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب*، دوره ۲، ش ۳، ص ۲۷-۱.
۲۷. مرادی، جهانبخش، ۱۳۹۸، «بررسی علل حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران در سوریه»، *مطالعات بین‌المللی*، دوره ۱۶، ش ۳، ص ۲۱-۱.
۲۸. مک دانل، دایان، ۱۳۸۰، *مقدمه بر نظریه گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.
۲۹. مهدوی‌ارفع، حمیدرضا، ۱۴۰۱، «نقش دیپلماسی فرهنگی در مکتب شهید سلیمانی»، *دوماهنانه آمریکاشناسی*، ش ۱۷، ص ۳۷-۳۴.
۳۰. موسوی، سید محمد، ۱۳۹۸، «مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل‌بیت»، *مطالعات بیداری اسلامی*، سال ۸، ش ۱۵، ص ۱۰۰-۷۵.
۳۱. هاشمی، صدیقه سادات، ۱۴۰۱، «الگوی رهبری شهید قاسم سلیمانی؛ از فرماندهی مقاومت تا شکل‌گیری مکتب سلیمانی»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۲۰۳-۱۶۳.
32. Buzan Barry, 2003, *Regional Security Complex Theory in the Post - Cold War World*, London, Palgrave Macmillan.
33. Buzan, Barry, 1999, *People, States and Fear*, translate by Institute for Strategic Studies, Tehran, Institute for Strategic Studies [In Persian].
34. *Department of Defense*, 2020, "Statement by the Department of Defense", [https://www.defense.gov/News/Releases/release/article/2049534/statement\\_by\\_the\\_department\\_of\\_defense](https://www.defense.gov/News/Releases/release/article/2049534/statement_by_the_department_of_defense).
35. Koch, Bettina and A. Stivachtis Yannis, 2019, "Introducing Regional Security in the Middle East", *International Relations*: [https://www.e\\_ir.info/2019/05/11/introducing\\_regional\\_security\\_in\\_the\\_middle\\_east/](https://www.e_ir.info/2019/05/11/introducing_regional_security_in_the_middle_east/)
36. Swaen Bas and George Tegan, 2022, "What Is a Conceptual Framework?", *Scribbr*. [https://www.scribbr.com/methodology/conceptual\\_framework/](https://www.scribbr.com/methodology/conceptual_framework/)